

مسب ابطال انتخابات کانون وکلای مرکز کیست؟



محمدهادی جعفرپور وکیل دادگستری

اعلام ابطال انتخابات کانون وکلای مرکز از سوی هیئت‌نظارت بر انتخابات این کانون را باید رویداد منحصربه‌فردی در تاریخ کانون وکلا دانست؛ منحصربه‌فرد از این جهت که تا به امروز چنانچه انتخاباتی محکوم به بطلان می‌شد، ناشی از تصمیم نهادهی خارج از صنف یعنی دادگاه عالی قضات بود و کمتر شاهد اعلام ابطال انتخابات از سوی هیئت‌نظارت‌بوده ایم.

کانون مرکز به‌عنوان کهن‌ترین نهادی که موجبات گردهم‌آمدن وکلای دادگستری را فراهم آورده، برای وکلای دادگستری دارای احترام ویژه‌ای است و به همین دلیل با وصف کانون مادر نزد وکلای دادگستری تعریف می‌شود. این کانون خاستگاه اولیه و اصلی فعالیت‌های صنفی وکلای سراسر کشور تلقی شده، عملکرد مدیران چنین مرجعی و تصمیمات ایشان واجد اهمیت است. از همین رو به‌رغم اینکه انتخابات هیئت‌مدیره این نهاد امری است داخلی اما حسب تأثیر و بازتابی که عملکرد مدیران این کانون در جامعه‌ی قضایی-حقوقی کشور دارد، قاطبه‌ی وکلای دادگستری تشریفات چنین رویدادی را رصد می‌کنند.

اثرگذاری تصمیمات مدیران کانون وکلای مرکز در نهادوکالت و نحوه‌ی اعمال مدیریت ایشان در ارتباط با سایر نهادها به‌ویژه قوه قضائیه را می‌توان مهم‌ترین دلیل برای رصد کردن انتخابات هیئت‌مدیره این نهاد دانست. به همین سبب لازم است هیئت نظارت و سایر عوامل اجرایی در برگزاری انتخاباتی سالم و به‌مور از حاشیه اهتمام ویژه داشته، تمام ظرفیت‌های لازم را برای تحقق این مهم مصرف دارند.

به‌رغم چنین امری و در شرایطی که شیوه‌ی مدیریت هیئت‌مدیره‌ی دوره‌ی سی‌ودوم مورد نقد برخی همکاران بود، برگزاری انتخابات بر خط آن هم در شرایطی که انتخابات ۱۹ مهرماه به حکم دادگاه عالی قضات باطل اعلام شد، اقدامی به‌دور از تدبیر و آینده‌نگری بود.

استند هیئت‌نظارت بر انتخابات هیئت‌مدیره به محتوای تبصره ماده ۱۷ آیین‌نامه اجرایی لایحه استقلال کانون وکلا برای برگزاری انتخابات بر خط، نیازمند مقدماتی بوده که نتیجه‌ی بی‌وجهی به این مقدمات را در عصر دهم خردادماه دیدیم.

تصریح به فراهم‌بودن امکانات در این تبصره، بهترین دلیل است بر این ادعا که برگزاری انتخابات برخط مستلزم فراهم‌آوردن مقدمات و سخت‌افزاری مناسب با بالاترین سطح امنیت سایبری است لذا لازم است پیش از عملیاتی کردن مفاد این تبصره اهل فن و متخصصان خبره‌ی حوزه‌ی ۵۲(امنیت فناوری اطلاعات) و ۱۱(فناوری اطلاعات) را به مشورت گرفته تا بنا بر داده‌های تخصصی چنین کارشناسانی، آیین کار مناسبی برای برگزاری برخط انتخابات تدوین کنند. حواشی ناشی از انتخابات دهم خردادماه به انضمام شیوه‌ی عملکرد هیئت‌مدیره‌ی فعلی سبب شده تا به موازات ایجاد کارزاری با موضوع اعلام ابطال انتخابات از سوی هیئت‌نظارت، بر برخی اعضای هیئت‌مدیره‌ی دوره‌ی سی‌ودوم مستند به ماده ۲۵ آیین‌نامه تقاضای تجدید انتخابات هیئت‌رئیس‌را مطرح کنند.

حال که هیئت نظارت به خواست قاطبه‌ی وکلا تمکین و رأی به تجدید انتخابات داده، فارغ از جناح‌بندی‌های حاکم بر کانون وکلای مرکز عملیاتی شدن ماده ۳۵ سبب افزایش حس اعتماد بدنه‌ی صنف به مدیران و زمینه‌ساز تحقق شفافیت در اعمال مدیریتی هیئت‌رئیس‌هی فعلی خواهد شد و چه فرصتی از این مناسب‌تر که هیئت‌رئیس‌ه و هیئت‌نظارتی برخواسته از چنین رویدادی، متولی برگزاری انتخابات آتی شوند که در این فرض برنده‌ی واقعی انتخابات کسانی خواهند بود که به خواسته‌ی قاطبه‌ی صنف تمکین کرده‌اند.

تمکین هیئت‌نظارت از خواست عموم وکلا در ابطال انتخابات، نباید مانع شناسایی دلایل وقوع چنین اتفاقی ناخوشایندى و معرفی مسبب تحمیل خسارت ناشی از این اقدام شود. مدیران کانون، نماینده و امین وکلا تلقی شده، سرمایه‌ی کانون نزد ایشان به امانت است لذا یکی از تکالیف قابل تأمل هیئت‌مدیره‌ی مستقر ارائه‌ی گزارشی مبسوط با محوریت معرفی عوامل و مسببان ابطال انتخابات و تحمیل خسارت به سرمایه‌ی مادی و معنوی کانون وکلاست. بدون شک احراز قصور یا تقصیر عوامل انسانی دخیل در این اتفاق ناخوشایند و معرفی ایشان به صنف، درس عبرتی خواهد بود برای آنان که منافع شخصی را بر مصلحت صنف ارجح می‌دانند.

آوار جنگ

گزارش میدانی هم میهن از محلات مورد حمله اسرائیل در تهران و گفت‌وگو با دوستان جانب‌ا‌ختگان

طرح: آرش خاموشی، هم میهن

الناز محمدی و سارا سبزی، گروه جامعه: در کوچه آبشوری پاتریس لومومبا آتش‌نشان‌ها تا ساعت ۱۴ ظهر جمعه، هشت نفر را از زیر تل‌های آوار بیرون کشیدند؛ هشت کشته. حالاظهر روز بعد از حمله است. جنگ شروع شده؛ مردها، زن‌ها و بچه‌ها با چشم‌هایی حیرت‌زده، شوکه شده، گوشی به دست و در حال پیج خبرها، به بالا و پایین شدن لودر مکانیکی در میان آن حجم از غبار خیره شده‌اند؛ به جای خالی همسایه‌ها و دوستان‌شان، به یک تپه بزرگ از خاک و آهن. ماشین‌های آواربرداری، تکه‌های باقی‌مانده از خانه را به آهستگی برمی‌دارند و روی کامیون‌های منتظر در انتهای کوچه سوار می‌کنند: آوارهای خانه «احمد ذوالفقاری»، دانشمند هسته‌ای که ساعت سه نیمه شب ۲۳ خردادماه با موشک اسرائیل هدف قرار گرفت و تا ۲۳ ساعت بعد هنوز پیکرهای خودش و پسرش پیدا نشده بودند. این رادو آتش‌نشانی می‌گویند که دورتر از محل آواربرداری برای استراحتی کوتاه نشسته‌اند و از هشت کشته در این حمله خبر می‌دهند.

ساعت ۳ بامداد ۲۳ خردادماه، اسرائیل حملاتش را به نقاط مختلفی از تهران، اصفهان، همدان، خرم‌آباد، بروجرد، تبریز، پیرانشهر، کرمانشاه، ایلام و اراک آغاز کرد و در همان ساعات اول، علاوه بر مواضع نظامی، نقاط مسکونی را در محلات قیطریه، نیاوران، جیتگر، شهرک محلاتی، شهرک شهید چمران، کامرانیه، نارمک، سعادت‌آباد، شهران، پاتریس لومومبا، شهرک شهید دقایقی و گرمدره هدف حمله قرار داد. این خانه‌ها محل سکونت تعدادی از فرماندهان سپاه و شش دانشمند هسته‌ای بودند و همراه با ترور آنها، بسیاری از شهروندان هم جان‌شان را از دست دادند. طبق آنچه خبرگزاری فارس اعلام کرده، آمار شهدای حملات تروریستی اسرائیل، تا پایان روز جمعه در تهران ۷۸ نفر اعلام شده؛ تا لحظه تنظیم این گزارش، آمار جدیدی از تعداد کشته‌ها منتشر نشده اما آمار مصدومان به گفته وزارت بهداشت، به ۸۰۰ نفر رسیده است.

که دیوار به دیوار خانه مورد حمله است، زمان انفجار با لباس‌های خانگی، گوشی‌های موبایل و ترسی پیچیده شده در جانشان از خانه بیرون دویدند و نمی‌دانند می‌توانند به خانه‌ای برگردند که بین دیوار اتاق‌هایش با دیوار خانه کناری فاصله افتاده و پر از خاک است یا نه؟ دوستان و آشنایان‌شان برای کمک وپناه دادن، خودشان را رسانده‌اند. دختر جوان خانواده دیده بود که «چیزی مثل آتش» روشن شد، ولی نور آمدو به خانه خورد، «او بعد از موشک زدند، دومی را خودم دیدم که با نور آمدو به خانه خورد.» او بعد از موشک اول، دوبده بود داخل خانه، به سمت پدرش: «گفتم بابا اسرائیل زد، ولی جواب داد حتماً خانه کسی آتش گرفته،» با موج انفجار دوم شیشه‌ها روی سر پدر ریخت و زخمی شد: «۱۴ نفر از جنازه‌ها را فقط خودمان دیدیم،» حالا ماشین بهشت‌زهر کمی پایین‌تر پارک کرده و سرنشینانش منتظرند پیکر باقی مفقودی‌ها را منتقل کنند.

حورا، زنی است که به همراه همسرش در خانه‌ای در خیابان پاتریس لومومبا زندگی می‌کند. خانه‌ای که در فاصله کمی از محل موشک‌باران خانه یکی از دانشمندان هسته‌ای است. دیوار شمالی خانه آنها تخریب و ساختمان‌شان تخلیه کامل شده است: «فکر می‌کنم حوالی ساعت سهونیم صبح بود اما خیلی مطمئن نیستم. چون خواب بودیم و از صدای انفجار، لرزش زمین و گاز غلیظی که در هوا بود بیدار شدیم. سمت شمالی خانه ما تخریب شده و از خانه بیرون آمدن سخت بود. من چون نمی‌توانستم با کسی تماس بگیرم، در شبکه ایکس نوشتم،» اما زمانی که او در شبکه ایکس نوشت: «خانه مان خراب شد»، هنوز شبکه‌های اجتماعی از ویرانی‌های جنگ پر نشده بود: «من هم به همین دلیل نوشتم. چون نمی‌توانستم بفهمم چه اتفاقی افتاده و فقط می‌خواستم اطلاع دهم که اینجا این اتفاق افتاده است.» خانه آنها آوارمانی چهار طبقه و تک‌واحدی است و حورا و همسرش در طبقه سوم زندگی می‌کنند. او درباره تخریبی که در اثر موج انفجار اصابت موشک به ساختمان آنها رسیده به «هم‌میهن» می‌گوید: «سمت شمالی خانه، پذیرایی و آشپز خانه است و سمت جنوبی، اتاق خواب‌هاست. ما در اتاق خواب بودیم و در سمت مقابل، دیوار خانه کامل ریخته بود اول فکر کردم ساختمان ما کامل خراب شده. چون لحظه اول گاز غلیظ سفید بود و چیزی دیده نمی‌شد. بعد از آن دیدیم آن‌سوی خانه جوری تخریب شده که انگار همه وسایل آن طرف خانه را به این طرف‌ها رانده‌اند. میان پذیرایی و اتاق خواب‌ها یک راهرو وجود دارد، وسیله‌ها آنجا را پر کرده بودند و ما فکر کردیم گیر افتادیم.» آنها مجبور به ترک خانه شدند، چون قابل سکونت نبود: «طبقه‌های اول و دوم به اندازه واحد ما تخریب نشده بودند. طبقه چهارم را هم ندیدیم و نمی‌دانم. اما طبقه ما نسبت به طبقه‌های اول و دوم بیشتر تخریب شده بود.» زمانی که حورا و همسرش به خیابان رفتند، دیدند مردم هم به خیابان آمده‌اند: «من هنوز هم خیلی متوجه اتفاقی که افتاده، نیستم. الان که فکر می‌کنم خیلی چیزها را

نمی‌توانم به یاد بیاورم. صحنه بسیار ترسناکی بود. در لحظه اول فکر کردم رعدوبرق زده یا زلزله آمده چون ساختمان خیلی لرزید. بعد که پایین آمدم، همسایه‌ها به ما گفتند که آن طرف را موشک زدند و ما قبل از آنکه بتوانیم پایین بیاییم، نگاه کردیم و در آنجا آتش را دیدیم.» در ساختمان آنها، بعضی از همسایه‌هایشان زخمی شده بودند: «یکی از آنها که در پذیرایی خوابیده بود، سرش با شیشه بریده شده بود. وقتی او را دیدم به‌صورت کلی حالش خوب بود اما به‌دلیل شدت انفجار خودش را بغل و جمع کرده بود. لباس یکی دیگر از همسایه‌ها هم خونی بود اما من که بدنش را چک کردم، همه جایش سالم بود.» آنها ساعت ۱۰ صبح به خانه‌شان برگشتند تا کمی وسیله جمع کنند اما افرادی را دور و بر خانه دیدند که نگذاشتند به داخل خانه بروند و به گفته حورا! «عجیب» بودند: «زمانی که برگشتیم چند نفر از اورژانس آمدند و نگذاشتند داخل خانه برویم. آدم‌های عجیبی از دم خانه ما رد می‌شدند و نظرات عجیبی می‌دادند. آدم‌هایی با بی‌سیم یا روی موتور یا حتی پیک. چندنفر هم گفتند از ستاد مدیریت بحران آمدند و پرسیدند چه اتفاقی افتاده و من خیلی‌های خانه را به آنها نشان دادم، گفتند می‌خواهیم بدانیم چقدر تخریب شده است.» حورا خبر از تماس استانداری با همسایه‌شان می‌دهد که به آنها گفته بودند، برای اسکان نگران نباشند: «کل ساختمان ما تخلیه شده و خانه کناری هم خیلی آسیب دیده بود و قابل سکونت نبود. اما بقیه خانه‌های کوچه، شیشه‌هایشان بر اثر انفجار شکسته بود. موج انفجار به‌قدری زیاد بود که شیشه‌های خانه‌های روبه‌روی کوچه هم از دوطرف شکسته و ریخته بود.» به گفته او بین خانه آنها و جایی که مورد اصابت قرار گرفته، تنها یک حیاط شمالی فاصله بود اما خانه‌های کناری محل اصابت، هم بیشتر آسیب دیدند و هم بعضی از ساکنانش کشته شدند: «ما وقتی برای برداشتن وسیله به خانه رفتیم، دیدیم که خانه‌ای که موشک خورده دیگر وجود ندارد، خانه کناری‌اش هم تخریب شده بود و ما شنیدیم که آنجا کشته‌هم داده است.»

▼ پر نیا، تارا، مجید

همان ساعت، در میانه خیابان شهرآر هم خودروهای امدادی کنار خیابان مستقرند و عملیات آواربرداری در مجتمع ارکیده ادامه دارد. شهرآر از خیابان محمدی به بعد با نواری زرد بسته شده و فقط خودروها مجوز عبور ندارند، مردم از صبح روبه‌روی ساختمانی که دیوار یکی از اتاق‌هایش کاملاً رجا کنده شده، می‌ایستند تا با چشم‌های خودشان ببینند یک ساختمان مسکونی غیرنظامی در غرب تهران را موشک اسرائیل هدف قرار گرفته. چندبار این جمله‌ها را با خودشان تکرار کرده‌اند تا آن را باور کنند؟ بعضی از آنها می‌گویند، انگار بعد از خبرهای هفته گذشته آمده بودند که یک شب با صدای انفجار از خواب بیدار شوند. به‌دلیل عملیات آواربرداری اجازه ورود به مجتمع وجود ندارد، اما شدت انفجار دیوار یکی از طبقات بلوک‌های روبه‌روی آن را از جا کنده و از سمت خیابان به خوبی دیده می‌شود.

ساختمانی که با موشک هدف قرار گرفته، محل زندگی «عبدالحمیدمینوچهر»، رئیس دانشکده مهندسی هسته‌ای دانشگاه شهید بهشتی بود؛ یک ساختمان چهار طبقه در مجتمع ارکیده خیابان شهران که دو طبقه بالای آن روی طبقات پایینی آوار شده بود؛ همان جایی که «دینا عباسی» و خانواده‌اش جان‌شان را از دست می‌دهند. همان ساختمانی که دوستان «تارا حاجی میری» و مربی باشگاهش در آن دنبال نشانه‌ای از او می‌گشتند. آنها از مردی که لیست پیکرهای پیدا شده را در دست داشت، نام‌اش را پرسیده بودند و در نهایت آن را در لیست سردخانه می‌بینند: تارا دختر ابراهیم، عموی دختر توانسته بود او را شناسایی کند و پیکر مادر و پدر تا آن ساعت هنوز زیر آوار بود؛ هر سه عضو خانواده حاجی میری در این انفجار کشته شدند. غیر از آنها یک زن دیگر هم در میان آوارهای مجتمع ارکیده